



انتشارات موسسه فرهنگی هنری

ایمان جهانی

شماره پراگه، ۹۶۱۵

آرزوی شهادت

متن دیدار حضرت آیت الله سیدعلی خامنه‌ای

با خانواده معظم شهیدان در محل نهاد ریاست جمهوری، سال ۱۳۶۱

بسم رب الشهداء و الصديقين

سيد الشهداء عليه السلام در يکي از خطبه هايشان، پيش از خروج به سوی عراق:

«حَطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَحَطَّ الْقِلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاةِ...»^۱

مرگ چیزی است که همه از او می گریزند و از ترس آن، گاهی به مرگ های بزرگ تری تن می دهند و روح و کرامت خود را قربانی می کنند. آدم ها از ترس مرگ، ذلیل می شوند؛ از ترس کشته شدن، پابوس می شوند و شرف و غیرت انسانی شان را از دست می دهند. البته، اینها اوصاف آدم های مادی است؛ یعنی کسانی که خدا ندارند یا خدا را قبول ندارند یا حداقل خدایی را به رسمیت می شناسند که دلبستگی ها و وابستگی های مادی شان را به رسمیت بشناسد. برای اینها مرگ سخت است، یاد مرگ هم سخت است، تا چه رسد به آرزوی مرگ.

آرزوی مرگ برای مؤمن مجاهد و صبور، چیزی جز «آرزوی شهادت» نیست. آرزوی شهادت، از انسان تلاش می سازد و

۱. مرگ بر انسان ها نوشته و مقدر شده است، مانند زینت و گردنبند بر گردن دختر جوان.

مقاومتِ خستگی ناپذیر، نه انفعال و گوشه‌نشینی؛ تلاشی در جهت کسب رضای الهی.

گاهی، ماندن از رفتن سخت‌تر و واجب‌تر است؛ اینجا ماندن یعنی شهادت. آن‌گاه که اکثر یاران و همراهان و صدیقی‌نی چون مطهری و بهشتی و باهنر و هاشمی‌نژاد و اسلامی و درخشان و محمد منتظری و چمران و کامیاب و موسوی قوچانی و آتش‌دست و... رفته‌اند و تنها مراد و مرشد و عارفِ کاملت هم می‌رود، آنجا ایستادن و پادگانِ منتظرانِ شهادت را فرماندهی کردن و شهیدپرور شدن، یعنی شهادت.

«آرزوی شهادت» هم جنسِ واژه انتظار است. نتیجه داشتن آن برای مؤمن مجاهد، استقامت و مقاومت است. اما مؤمن قاعد، از خوف معنای حقیقی آن، در گوشه‌ای و خلوتی به ذکر لفظ، اکتفا می‌کند و چله خاموشی می‌نشیند، غافل از اینکه اینجا وادی عمل است، نه وادی خاموشی:

عاقبت منزل ما وادی خاموشان است

حاليا غُلْغُلَه^۱ در گنبد افلاک انداز

۱. هنگامه و شور و غوغا

چه نیک می‌فرمود استاد جهاد و عرفان ما که: «آدم‌ها از ترس مرگ ذلیل و پابوس می‌شوند و شرف و غیرت انسانی‌شان را از دست می‌دهند؛ کسی که خدا ندارد همین است. من آن وقت‌ها، در قبل از انقلاب، گاهی توی زندان‌ها و سلول‌های شاه که می‌افتادیم، دائماً به این فکر بودم و دلم به حال این بی‌خداها می‌سوخت که چه طوری تحمل می‌کنند؟ و اغلب هم می‌بُریدند. آن کسی که خدا ندارد، آنی که اعتقاد به خدا ندارد، آنی که کانون دلش از عشق خدا گرم نیست، واقعاً برای او مشکل است. از جان گذشتن مشکل است، از استراحت گذشتن مشکل است، از سلامتی جسم گذشتن مشکل است. اما آن کسی که خدا دارد و خدا را قبول دارد، ایمان دارد، عشق الهی دارد، برایش استقبال از مرگ کار آسانی است. و لذا ما شهادت را یک فیض و یک فوز می‌دانیم. حالا عجله هم نکنید! برای شهادت یک سی، چهل سال دیگر وقت است. من اتفاقاً در خدمت امام بودم، بارها، بعضی از برادران می‌آمدند خدمت امام و می‌گفتند آقا دعا کنید ما شهید بشویم، امام می‌فرمودند که من دعا می‌کنم شما زنده بمانید.»

آری؛ دعا می‌کنند تا زنده بمانند، در راه خدا و برای خدا، و این معنای حقیقی حیات است. مسئله این نیست که آنی که رفت در

میدان جنگ، شهید خواهد شد یا خواهد ماند؛ مسئله این است که اسلام نیاز دارد که کسانی بروند به میدان جنگ. کسانی باید فداکاری کنند و البته اگر آن کسان شهید شوند، به بزرگ‌ترین فیض رسیده‌اند و فوز عظیم را برده‌اند. فیض اعظم، فیض «شهادت» است. آن قدر در آثار و کلمات رسول گرامی اسلام و ائمه علیهم السلام درباره «شهادت و شهید» مطلب وجود دارد که حق است اگر این حالت و نگرانی در انسان پدید آید که: «خدایا اگر قرار باشد مرگ ما و پایان زندگی ما با جز شهادت باشد، چه کنیم؟»

حقیقتاً این نگرانی جا و جایگاه دارد، در هر کسی که پدید آید و البته قبل از آن پاسخ به این سؤال که: «هم الان اگر ملک الموت سر رسد و تو را به عالم باقی فراخواند، هر چند با شهادت، آماده‌ای؟»

بازنویسی با استفاده از سخنرانی

حضرت آیت الله خامنه‌ای

در قرارگاه قدس - ۱۳۶۲/۷/۴

مطالعه یک سخنرانی کامل از مقام معظم رهبری، بدون تقطیع،

اثرات خاص خود را دارد. درست است که کنار هم گذاشتن قطعات مختلفی از چند سخنرانی و تولید محصولی با موضوع خاص، کاری جامع می‌شود که منظومه فکری معظم‌له را در آن موضوع تاحدودی ترسیم می‌کند؛ اما دیدن یک سخنرانی واحد که تنظیم از ابتدا تا انتهایش نیز در دست این خطیب عالی‌قدر بوده، می‌تواند اثری بگذارد و حرکتی ایجاد کند که مطالعه چندین جلد کتاب هم نمی‌تواند. به‌خصوص اگر آن سخنرانی به عللی، خاص شده باشد. و به‌خصوص اگر صوت یا در مرحله بالاتر، فیلم آن هم موجود باشد. و به‌خصوص اگر چند ده سال از آن گذشته باشد و دیدن آن، حال و هوای ارزش‌هایی را زنده کند که امروز حکم اکسیر و مایه نجات است.

بخش عظیمی از توان و وقت ما در صهبا به جمع‌آوری می‌گذرد. از این وقت عظیمی که می‌گذاریم راضی هستیم. راه درازی است که طی کردنش باعث مسرت است و پویایی. و اینها همه معلول پرکاری و ذوابعدای آقا است، در سایه الطاف خدا که باعث جوشش در وجود بابرکت ایشان شده است.

ولی گاهی بین راه، از چیزی که به‌دست آمده، درجا میخ کوب می‌شویم؛ یرزقه من حیث لایحسب. دوست داریم فریاد بزنیم

و همه را خبر کنیم. به لطف خداوند کریم، فیلمی از مقام معظم رهبری به دست صهبا رسید که مربوط به حدود سی سال پیش است. این فیلم از همان دسته‌هاست.

متأسفانه تاریخ فیلم معلوم نیست؛ اما از سخنان معظم‌له می‌توان فهمید که بعد از آزادسازی خرمشهر و نزدیک آن ایراد شده است؛ یعنی تابستان سال شصت و یک. جمعی از خانواده‌های شهدا، میهمان حضرت آقا هستند و خانواده‌ها، از پیر و جوان و زن و مرد، در سالن زیرزمین ساختمان نهاد ریاست جمهوری، پای سخنان گرمابخش ایشان نشسته‌اند. عکس شهدا در دستان مردم که برخی جمله‌ای هم کنار آن نوشته‌اند و رو به دوربین و آقا گرفته‌اند، جلوه خاصی به جلسه بخشیده و حضور شهدا در آن را تداعی می‌کند. یکی بالای عکس شهیدش نوشته: «امام را دعا کنید»، دیگری «این گل پرپر شده، فدای رهبر شده» و «خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است».

آقا که به فرموده خودشان، از دست دادن این عزیزان، عواطفشان را جریحه‌دار کرده و با دیدن خانواده‌های آنان، متأثر می‌شوند، با وجود بیان عمق احساسات خود در جلسه، به زیبایی تصویر جامعی از شهادت ترسیم می‌کنند و فرای از اتفاقات روز، اثرات اجتماعی

شهادت را بیان می کنند. لذا نشر این سخنرانی از همه جهت برای
صهبا مهم بود پس این گفتار را به آن اختصاص داد.
البته پرواضح است که معظم له در موضوعات شهید و شهادت،
زنده کردن یاد شهدا و مقام و منزلت خانواده های آنان، سخنان
بسیار دقیق و مهمی دارند که جا دارد کتاب ها برای شان تولید شود
و ان شاء الله این گفتار، مقدمه ای باشد برای ورود صهبا به این عرصه
نورانی و وادی مقدس.

بیستم فروردین ۱۳۹۳

مصادف با سالروز شهادت

سید شهیدان اهل قلم، مرتضی آوینی (ره)